

امید حجت آهنگساز و خواننده آلبوم «صلح و عشق» با اشاره به تازه ترین فعالیت های خود در عرصه موسیقی بیان کرد: طبق برنامه ریزی هایی که انجام گرفته تصمیم دارم تابستان امسال اجرای زنده ای از آلبوم «صلح و عشق» داشته باشم که طی این مدت به دنبال نوازنده درام و بیس هستم و به محض اینکه این دو هنرمند نوازنده نیز به گروه ما بپیوندند تمرین ها را آغاز می کنیم. وی ادامه داد: با توجه به اینکه بنده مدرک درجه یک هنری دارم بنابراین فکر می کنم



می توانم در هر تالاری به اجرای برنامه پردازم و امیدوارم شرایط به گونه ای باشد که بتوانم این کنسرت را در تالار وحدت تهران برگزار کنم. به هر صورت آلبوم «صلح و عشق» یک اثر صرفا پاپ نیست و فکر می کنم با توجه به مولفه های موسیقایی اش می تواند در ردیف موسیقی کلاسیک نیز قرار گیرد از این جهت امیدوارم بتوانم در تالار وحدت کنسرت برگزار کنم. به گزارش مهر، این هنرمند در

محبوب ترین مادر سینمای هند درگذشت

ریما لاگو که با ایفای نقش «مادری مهربان» در فیلم های پالوود به شهرت و محبوبیت رسیده بود، شامگاه چهارشنبه ۱۷ می در ۵۹ سالگی درگذشت. دلیل مرگ او ایست قلبی اعلام شده است. به گزارش خبر آنلاین، او در دهها فیلم و مجموعه تلویزیونی، نقش مادر شخصیت اصلی را به عهده داشت و در چندین تئاتر به زبان مرآتی هم بازی کرده بود.

هنرمندان

اتفاق غم انگیز در جشنواره کن ۲۰۱۷ موسس جشنواره فیلم بوسان درگذشت

کیم چی سئوک یکی از موسسان جشنواره فیلم بوسان کره جنوبی و برنامه ریز اجرایی این جشنواره در حالی که برای شرکت در جشنواره کن به این شهر ساحلی سفر کرده بود، درگذشت. جی سئوک اوایل اردیبهشت برای شرکت در جشنواره جهانی فیلم فجر به تهران آمده بود. وراثتی به نقل از بیانیه جشنواره بوسان اعلام کرده که او بر اثر حمله قلبی درگذشت. این نشریه به نقل از منابع نزدیک به جشنواره بوسان نوشته که کیم چی سئوک روز پنجشنبه در قفسه سینه خود احساس درد می کرد و تصمیم گرفت در آپارتمان خود در کن بماند و با همکاریانش نرسد. اما وقتی همکاریانش عصر برگشتند، بدن وی جان او را پیدا کردند. سایر کارکنان جشنواره بوسان در کن فعالیت خود را لغو کرده اند. خانواده این سینماگر و جشنواره بوسان قدم های قانونی برای بازگرداندن پیکر او به کره جنوبی را آغاز کرده اند. کیم چی سئوک که در هنگام مرگ ۵۷ سال داشت، یکی از سه موسس جشنواره بوسان بود که این رویداد را در سال ۱۹۹۶ پایه گذاری کرد و طی ۲۱ سال گذشته با بوسان همکاری می کرد و تا همین اواخر نیز قائم مقام دبیر جشنواره بود. به گزارش آی سینما، او در سال ۱۹۶۰ در بوسان متولد شد و در همین شهر به دانشگاه رفت. برخی سینماگران آسیایی مانند آدولوو الکس و بو جانفنگ در صفحات فیس بوک خود به مرگ او واکنش نشان داده و ابراز تاسف کرده اند.



رویدادهای هنری

«آواز های سر شام» در ایران شهر

«آوازهای سر شام» با نمایش گذشتن زندگی سه نسل از سه دهه مردم در تماشایخانه ایران شهر به روی صحنه رفت. امین وحیدی روز بازیگر نمایش «آوازهای سر شام» گفت: این نمایش با محوریت سه خانواده از سه نسل را به صورت موازی روایت می کند و یک داستان در دهه ۵۰ می گذرد و مربوط به یک خانواده سه نفره که یک پسر ۱۳ ساله دارند و اوضاع مالی خوبی ندارند و یک موضوع در دهه ۶۰ می گذرد که دو نفر در محاصره نیروهای عراقی اند و موضوع دیگر در دهه ۹۰ اتفاق می افتد که روایت مشکلات یک زوج جوان راه تصویر می کشد که بسیار مرفه اند و همسرش سه او در امانت خیانت می کند. به گزارش ایسنا، امین وحیدی روز بازیگر نمایش «میلاد یک رویا» در خصوص نقش خود بیان کرد: در نمایش «آوازهای سر شام» ایفاگر نقش پانجا هستم که پانچا خانواده ای با اصالت و مرفه است و به همراه همسرش در یک پنت هوس زندگی می کند. همسرش به همراه عمویش نقشای شوم را برای زمین وی (پاشا) می کشند و خط تاقی این سه داستان موازی در یک شام مشترک صورت می گیرد که تماشگر متوجه ربط دور و عمیق این داستان ها به یکدیگر می شود.

**جایزه برای «لایت سایت»**  
انیمیشن «لایت سایت» به کارگردانی مسلم طبلطایی در چهارمین دوره جشنواره هنرهای زیبای ونیز کالیفرنیا Fine Arts Film Festival که توسط موسسه هنرهای معاصر ونیز برگزار می شود، شرکت کرد. به گزارش مهر، این انیمیشن توانست جایزه بهترین فیلم دانشجویی این جشنواره را از آن خود کند.

کوتاه از هنر

یادبود علی معلم در کن

قرار است طی روزهای آینده یاد این منتقد، تهیه کننده و کارشناس فکند سینمایی با حضور مدیران و سینماگران ایرانی حاضر در هفتادمین دوره جشنواره فیلم کن گرمای داشته شود. امید معلم، فرزند علی معلم نیز از حاضران در کن است و فعالیت های خیری پدرش در این رویداد سینمایی را ادامه می دهد و طی دو روز گذشته اقدام به ارسال گزارش های تصویری کرده است. به گزارش ایسنا، علی معلم که طی سال های گذشته حضور فعالی در جشنواره های خارجی بویژه جشنواره فیلم کن داشت، ۲۳ اسفندماه درگذشت.

بهباد «بیژن و منیره» می سازد

فریال بهزاد، کارگردان سینما با اشاره به جدیدترین فعالیت خود گفت: «قصد ساخت یکی از قصه های شاهنامه به نام «بیژن و منیره» را به صورت ترکیبی زنده و انیمیشن دارم». به گزارش برنا، او افزود: «هم اکنون در مرحله است، پژوهش و نگارش هستیم و ترجیح می دهیم بیان دیگر جزئیات آن را به زمان دیگری موکول کنیم».

«آرش کمانگیر» کلیدی می خورد

غلامرضا آزادی تهیه کننده و کارگردان سینما با اشاره به جدیدترین فعالیت های سینمایی خود گفت: در حال حاضر فیلم سینمایی «سندباد و سارا» برای حضور در سی امین جشنواره بین المللی فیلم های بین المللی کودکان و نوجوانان آماده شده و اولین نمایش آن در این جشنواره است. وی ادامه داد: همچنین پیش تولید فیلم سینمایی «آرش کمانگیر» را آغاز کرده ام، این فیلم به صورت رئال و انیمیشن سه بعدی ساخته می شود. این تهیه کننده سینما توضیح داد: طراحی و تولید بخش انیمیشن این فیلم آغاز شده و فکر می کنم ساخت آن نزدیک به یک سال طول بکشد. فیلمبرداری بخش رئال این فیلم به زودی در تیرماه توسط پیام آزادی صورت می گیرد. به گزارش مهر، آزادی در پایان گفت: فکر می کنم سینمای ایران باید به قهرمانان شاهنامه توجه بیشتری داشته باشد و آثاری با چنین موضوع هایی را جلوی دوربین ببرد تا جوانان و نوجوانان ما آشنا شوند.

صلواتی «پدران» می سازد

سالم صلواتی کارگردان سینما درباره جدیدترین فعالیت های خود گفت: سال گذشته پروانه ساخت فیلم سینمایی «پدران» را گرفتم. فیلمنامه خوب این اثر نوشته محمدرضا گوهری بود که ما بعد از مذاکره با چند تهیه کننده به تازگی با یکی از آنها به نتیجه رسیدیم. البته پیش تر قرار بود یک تهیه کننده دیگر با ما همکاری کند اما حالا با یک تهیه کننده جدید به نتیجه رسیده ایم. وی افزود: در نظر داریم این اثر را در تابستان در یکی از شهرستان ها جلوی دوربین ببریم. البته پیش تر می خواستیم که در استان کرمان شروع به فیلمبرداری کنیم اما حالا احتمال دارد در یاسوج به ضبط بپردازیم. صلواتی بیان کرد: در حال حاضر پیش تولید «پدران» شروع شده و ما در نظر داریم عوامل صحنه و پشت صحنه، ترکیبی از تهرانی ها و افراد بیابان داشته، به این صورت که برخی از بازیگران از افراد حرفه ای هستند و برخی از نقش ها را افراد بومی بازی می کنند به گزارش مهر، این کارگردان با اشاره به موضوع «پدران» گفت: این فیلم درباره تقابل نسل ها، فاصله ها و دغدغه های بین پدران و فرزندانشان است. در واقع می خواهیم نقدی به جامعه داشته باشیم زیرا این موضوع همواره وجود داشته و موضوع این فیلمنامه به گونه ای است که در پروسه زمان گفته نمی شود زیرا فاصله نسل ها همواره وجود دارد.

«فیلشاه» می آید

انیمیشن سینمایی «فیلشاه»، تازه ترین محصول گروه «هنر پویا» به کارگردانی هادی محمدیان و تهیه کنندگی حامد جعفری به زودی آماده نمایش می شود. به گزارش هنر آنلاین، این انیمیشن پس از ۱۵ ماه کار مداوم، هم اکنون آخرین مراحل پست پردازش که شامل تدوین توسط حسن ایوبی و آهنگسازی توسط ستار اورکی است را طی می کند و قرار است طی روزهای آینده صداگذاری آن توسط حسین مهدوی آغاز شود. ضمن اینکه صداییشان بسیاری به مدیر دوبلاژی سعید شیخ زاده به جای کاراکترهای این فیلم صحبت کرده اند.

حامد بهداد در برج میلاد می خواند

گروه موسیقی «دارکوب» در جدیدترین سری فعالیت های خود در پنجمین شب از سومین ماه فصل بهار با طرقدارانش دیدار می کند. این کنسرت در سالگرد ۱۰ سالگی گروه «دارکوب» برگزار می شود و قرار است حامد بهداد به عنوان خواننده در این اجرا این گروه را همراهی کند. البته پیش از این کنسرت هم، بهداد سال ها با همایون نصیری به عنوان سرپرست این گروه همکاری داشته است.

**پرونده نمایش «سماعی زاده» روی میز آفتاب یزد**  
**خانۀ شیطان**  
**نویسنده سگه های کیسه داستانش را مسکانه خرج می کند و اینچنین همواره تماشاگرش را تشنه و دنبال کننده ماجرا نگاه می دارد. هر بار نظر او را درباره اتفاق بعدی عوض می کند اما معمولاً پیش بینی ها باز هم غلط از آب در می آیند و حقیقت تازه ای بر ملا می شود که ذهن و احساسات مخاطب را به بازی می گیرد**

نیز به همین صورت باقی می ماند. اتفاق ها در دو سو زمین اینکه به هم مربوطند از نظر مکانی از یکدیگر تفکیک می شوند. در طراحی صحنه بسط فضای چپ در تمامیت صحنه برنامه ریزی شده و فضای دستشویی اندک اندک با چیدن کاشی ها در کف خانه به تمامیت فضای صحنه تستری می یابد تا در پایان، همه فضای خانه را اشغال کرده و به دستشویی تبدیل کند. دقیقاً مثل این که فضا کش بیاید و به مرور بزرگ شود که این طراحی یکی از نکات قوت این نمایش به شمار می رود. از دیگر محلسن قابل اشاره در این اثر، رعایت و پیاده کردن دقیق ریتم است. ریتم در این اجرا جایگاه خود را به خوبی باز یافته و به گونه ای رعایت می شود که تماشاگر هرگز امکان انقطاع از صحنه را نمی یابد و چشمانش بر وقایعی که پی در پی همچون ضرباتی مستمر وارد می شوند، تا به پایان خیره باقی می ماند. نویسنده شیرینی تلخی را همچون شرنگ و شکر در هم می آمیزد و همانند نقاشی بر حوصله تابلوی خود را به تدریج تکمیل می کند. این ایده نمایشنامه در اجرا نیز به خوبی پیاده شده و صورت بیرونی می یابد به نحوی که طرح و ظاهر صحنه از ابتدا تا انتها در حال تکمیل است و در پایان گویا نقاشی که همسان کارگردان است تابلوی خود را به پایان رسانده و زیر آن را امضا می کند. انتخاب بازیگران بسیار درست و بسر گرفته از شناخت صحیح کارگردان انجام یافته است. شخصیت ها در وجود بازیگران رسوب کرده اند. بازی ها همگی قابل قبول هستند و خلأیی در این بخش به چشم نمی آید. همگی با رعایت ریزه کاری های لازم، شیرینی خود را داشته و



پذیرفتی اند. حتی از بازیگر کودک نیز به واسطه بازی گرفتن مناسب و برنامه ریزی شده کارگردان یک بازی در حد کفایت را مشاهده می کنیم که لطمه ای به کار وارد نکرده و حتی در مواردی احساسات جمعی تماشاگران را برانگیخته و بسا خود همراه می سازد. در بخش نورپردازی، کاستی هایی به چشم می آید. نوری که از فیلتر قرمز در بخش پایانی نمایش استفاده شده به قدری ضعیف است که با نور سفید صحنه درآمیخته و در آن محو می شود. لازم است که برای داشتن نور قرمز که از مفهوم های ویژه خود از لحاظ روانشناسی رنگ ها برخوردار است به قدری ضعیف است که با نور سفید صحنه درآمیخته و در آن محو می شود. لازم است که خود از فیلترهای مناسب تر از منابع نوری قوی تری بهره برده می شد تا بتواند در صحنه ظهور کافی بیابد، لیکن هم اکنون به گونه ای است که بود و نبود آن تفاوتی ندارد و گویا شاهد نور سفید تخت اولیه ای هستیم که از ابتدای نمایش بر صحنه می تابد. با توجه به اینکه از ابتدا تا انتهای نمایش هیچ تاریکی دانی وجود ندارد و این نمایش تک

نمایش نیز از همین مفهوم شکل گرفته و از جنس کمدی موقعیت است. «سماعی زاده» نمایشی است در ژانر تراژدی - غروب می کند. این سیوروت و دگرگونی مکتب اگرچه سیر کندی دارد اما هر چه نمایش به پیش می رود اندک اندک چهره می نماید و در بطن متن و اجرا بروز می کند. نمایشنامه از ساختار محکمی برخوردار است. آغاز، گره افکنی، اوج، گره گشایی و پایان، همگی در جای خود قرار گرفته اند، اما ابهامی که در متن به نظر می آید به نام گذاری آن و ارتباط با عدم ارتباط با کلیت نمایش بر می گردد. اصلا اینکه در چنین داستانی بخواید نام یک آهنگساز ایرانی که خواننده ای متوسط و معمولی نیز هست گنجاندن شود چه دلیلی می تواند داشته باشد؟ آیا صرفاً فقط برای ایجاد کنجکاوی در تماشاگر و به دنبال آن جذب او به سالن تئاتر است؟ آیا تنها به این دلیل که در نریشن ابتدایی نمایش از قول پسر جوان به کمانچه کشی پدرش اشاره شده و اینکه او از پدر و خانواده ای اهل موسیقی است می تواند این انتخاب نام را کفایت کند؟ داستان این است که فلان خواننده به خاطر شرایط جدید خانه خود را رها کرده، ترک وطن کرده و حال، آیارتمان سابق اوست که محفل اتفاقات این نمایش است؛ اما اگر بناسد که چنین نامی برای نمایش انتخاب شود و فرض را بر این بگذاریم که تنها به دلایل تبلیغاتی و ایجاد جو و فضای داغ برای جذب مخاطب نیست، دستکم لازم است تا عناصر و خرده داستان های دیگری نیز در متن وجودی داشته تا این انتخاب را توجیه کند، مثلاً آکسان هایی بر مبحث

نمایش نیز از همین مفهوم شکل گرفته و از جنس کمدی موقعیت است. «سماعی زاده» نمایشی است در ژانر تراژدی - غروب می کند. این سیوروت و دگرگونی مکتب اگرچه سیر کندی دارد اما هر چه نمایش به پیش می رود اندک اندک چهره می نماید و در بطن متن و اجرا بروز می کند. نمایشنامه از ساختار محکمی برخوردار است. آغاز، گره افکنی، اوج، گره گشایی و پایان، همگی در جای خود قرار گرفته اند، اما ابهامی که در متن به نظر می آید به نام گذاری آن و ارتباط با عدم ارتباط با کلیت نمایش بر می گردد. اصلا اینکه در چنین داستانی بخواید نام یک آهنگساز ایرانی که خواننده ای متوسط و معمولی نیز هست گنجاندن شود چه دلیلی می تواند داشته باشد؟ آیا صرفاً فقط برای ایجاد کنجکاوی در تماشاگر و به دنبال آن جذب او به سالن تئاتر است؟ آیا تنها به این دلیل که در نریشن ابتدایی نمایش از قول پسر جوان به کمانچه کشی پدرش اشاره شده و اینکه او از پدر و خانواده ای اهل موسیقی است می تواند این انتخاب نام را کفایت کند؟ داستان این است که فلان خواننده به خاطر شرایط جدید خانه خود را رها کرده، ترک وطن کرده و حال، آیارتمان سابق اوست که محفل اتفاقات این نمایش است؛ اما اگر بناسد که چنین نامی برای نمایش انتخاب شود و فرض را بر این بگذاریم که تنها به دلایل تبلیغاتی و ایجاد جو و فضای داغ برای جذب مخاطب نیست، دستکم لازم است تا عناصر و خرده داستان های دیگری نیز در متن وجودی داشته تا این انتخاب را توجیه کند، مثلاً آکسان هایی بر مبحث

**کارگردان در این نمایش با ترفندهایی نظیر شکستن و نامرئی کردن دیوارهای خانه برای دو دختر، تعیین مرز دو فضا توسط بازیگر، بسط یک فضا در دیگری و تدارک نوعی دیزالو بسیار کند سینمایی بر صحنه و ... تا حد قابل قبولی توانسته است این وادی پر مشقت جان به سلامت برده و از آزمون دشواری هایش موفق بیرون بیاید**

**نام نمایش: سماعی زاده نویسنده و کارگردان: رضا بهاروند بازیگران: علی شهادمان، باران وقار کاشانی، شیدیا خلیق، احمد کوری، تینو صالحی، فرانک کلانتر، سالار کریم خانی، مهدی زندیه، توران کبایی مکان اجرا: تئاتر باران آفتاب یزد - وحید عمرانی: نمایشی با نامی خاص که گویا به دلیل ایرادی که شورای نظارت اعمال کرده به «سماعی زاده» تغییر نام یافته این روزها اجرای خود را در سالن باران طی می کند. موضوعی که قبل از هر چیز ذکر آن لازم به نظر می رسد همین اعمال برخی نظرات غیر ضروری بر نمایش هاست که به راستی دیگر وقت آن فرا رسیده تا قدری این حساسیت های بی فایده مورد بررسی بیشتری قرار گیرند و بی آمدن آن، به نتیجه اعمال این قبیل محدودیت ها نگاه بلند نظرانه و ژرف اندیشه تر حاصل گردد و برخوردی معقولانه با این قبیل موارد صورت گیرد. این موضوعات سالیان بسیاری است که توسط هنرمندان مطرح شده و می شوند و امید است هر چه زودتر گشایشی در این امور حاصل آید. بهتر این است که به همین اندک قناعت کرده و به نقد نمایش بپردازیم. پسری ۱۹ ساله آیارتمان کوچکی را در ساختمانی تقریباً قدیمی که هیچ شناختی از سایر ساکنین آن مکان یا کسانی که قبلاً در آنجا زندگی می کرده اند، ندارد اجاره می کند. در بدو ورود بسا دختری جوان موجه می شود که همراه با دختر خردسال یکی از همسایه ها از او برای طبخ غذا پیاز می خواهد. در همین بین، درب خانه دختر که در طبقه بالا قرار دارد، بسته می شود و او به دلایلی که در ظاهر مربوط به حساسیت های بالایی پدرش می شود مجبور می گردد که چند ساعتی را در آپارتمان پسر جوان به سر برد تا مشکل خاصی پیش نیاید. از سوی دیگر صاحبخانه به سراغ پسر جوان می آید تا با او درباره تعمیر لوله کشی آیارتمان و جلسه ای که قرار است برای انتخاب مدیر جدید ساختمان برگزار شود صحبت کند و در نتیجه پسر مجبور می شود دختر را در دستشویی خانه پنهان کند. پس از آن سر و کله زن و شوهر طبقه بالایی، لوله کش و سربازی که برادر زن همسایه است پیدا می شود و جوان مستاجر تازه وارد در موقعیتی دشوار قرار می گیرد. نوع کمدی این**

خود کشی توماس جین در «مه»

**توماس جین در سکانس تکان دهنده پایانی فیلم «مه» فرانک دارابونت در سال ۲۰۰۷، دبوید، گمان می کند که تنها بازمانده شهر نفرین شده ماين است. او می خواهد خود کشی کند**



**رابرت دنبرو و کاترین اسکورسبزی**  
این تصویر رابرت دنبرو، بازیگر مطرح سینمایی جهان در کنار کاترین اسکورسبزی (مادر مارتین اسکورسبزی) است. کاترین بیشتر اوقات برای بازیگران و عوامل فیلم پسرش غذا آماده می کرد.

